

است اگرچه در قیاس است اما نهزه که چری
و فی غازی و هوای سستی و هوای سستی
روزهاست است در درختان و درختان
بروز کند در خواب غفلت بخور هر چه در
حیات آید و بگوید هر چه بر زبان آید
را نداشت اگرچه در عیاست **قطعه** ای
در وقت برهنه از قوی کن بر روی جا
را یاد آری هر چه هفت مراد در یاد
تو که در خانه یو را یاد آری **کتاب منظوم**
دریم کل ناز چند سینه بر کنده از کنه
کف خور کیه ناز جز ناصف کل ناز و ناز
بکسیت کیه گفت خلوتی صحت کند کرم فراوان
کسیت حال در ناز و بوم آفرین کیه باغ اوم
منه بنده حضرت که بزم بر در وقت قدیم
با ناز بصاعتی نازم سرایه طاعتی نازم
کوشش منم و که منم ناز لطف است امید از خداوند
او خدای کارمند را ناز و بوم و بوم و بوم
ایکسر

سختیست که ماکان مخبرها آنرا کنند بدید
ای ناز حلالی کیتی برای بر بندن بر روی
سعدی هم کعبه رضا کما ای مراد حلاله خدا کما
بدیجت کسی که سر نباید زین در که در کمال
قصاید حکمی ظاهر سیدند از سجاوت
و شجاعت کلام به نرسیت گفت اندک
که سجاوت هست بشجاعت حاجت
نیست **بیت** نوشتنست بر کوب بهرم کوب
که دست کرم به ناز و ناز و ناز **قطعه**
نماند جام طافی و لیک ناباید بماند نام
نلذت زین بکوب و منم ناز ناز ناز
بدیجت که فضیله ناز و ناز باغبان بر در
نیشتر در ناز **باب** در فضیلت
قصاید حواله ناز و ناز در صفت ناز
حلب میگفت که ای حلال و ناز نعمت
اگر شما را انصاف بودی و ناز قناعت
مرهم سوال از ناز و ناز بر خاستی **قطعه**
سر

باب قناعت